
برنامه‌ریزی توسعه مراکز اسکان روستایی

دکتر اصغر ارجمندنیا

نظام پخشایش جمعیت

نظام پخشایش جمعیت در ایران نامتعادل و نامتوازن بوده و الگوی استقرار جمعیت و کانونهای زیستی، بر بهره‌گیری متناسب از ظرفیتهای و قابلیت‌های موجود متکی نیست. توزیع فضایی کانونهای عمده جمعیتی، از تمرکز گرایی شدید و سریع برخوردار است و ظهور و گسترش کلان شهرها و تقویت شهر گرایی شتابان در حال تحول است. در نتیجه، پراکنش جمعیت در قلمرو فضایی روستا، به زیان نظام استقرار متوازن جمعیت روستایی، روندی ناپایدار و نامتعادل دارد.

چنین الگویی از توزیع جغرافیایی جمعیت در پهنه سرزمین، قطبی شدن هرچه بیشتر کانونهای شهری بزرگ، و کاهش و تخلیه سریع سکونتگاههای روستایی را در پی داشته است. بی تردید چنین گرایشی با هدفهای توسعه متوازن و یکپارچه و پایدار روستایی سازگار نبوده و با راهبردهای توسعه ملی نیز ناهماهنگ است.

در حالی که در حاصلخیزترین استانهای کشور، نسبت جمعیت به اراضی زیر کشت به ارقام نسبتاً بالایی رسیده، بخش اعظم مناطق جنوبی و شرقی کشور، هنوز از تراکم مطلوب جمعیتی برخوردار نیست.



در چنین شرایطی، ساماندهی نظام اسکان جمعیت، مهار رشد شهرهای بزرگ، برنامه‌ریزی فضایی با تأکید بر راهبردهای تمرکززدایی، سازماندهی الگوی استقرار مراکز جمعیتی مناطق روستایی، و اولویت‌بندی مراکز توسعه و اسکان روستایی، در قالب نظام سلسله مراتب جمعیتی، ایجاد زیر ساختها و تجهیز مراکز مهم سکونتی امری اجتناب‌ناپذیر است. چنین نگرشی، ضمن مهار و هدایت معقول روند جابه‌جایی جمعیت روستایی، زمینه‌های رشد و توسعه مراکز مهم سکونتگاههای روستایی را امکان‌پذیر ساخته و تهیه و تنظیم برنامه‌های منطقی‌تری مبتنی بر اولویتهای توسعه و ساماندهی جامعه روستایی را ضرور نشان می‌دهد.

روند تحول جمعیت

جمعیت کشور طی دو دهه گذشته، همواره در جهت افزایش سریع جمعیت شهری و توسعه

کانونهای بزرگ شهری، و کاهش جمعیت روستایی و رکود و یا تخلیه نقاط روستایی گرایش داشته است. و این گرایش همچنان رو به فزونی است.

شهرگرایی سریع و شتابان و رشد و توسعه بی‌سابقه کلان‌شهرها، بیش از پیش بر نظام اسکان و پخشایش جغرافیایی جمعیت تأثیر گذاشته و قطبی شدن جمعیت شهری و نبود تعادلهای آن، از اثرات ناپایدار اسکان و استقرار در پهنه سرزمین خواهد بود.

تنها در فاصله آخرین سرشماریهای اخیر (۷۰ - ۱۳۶۵)، جمعیت نقاط شهری کشور به $\frac{1}{2}$ برابر رسیده است. بر طبق برآوردهای انجام شده، جمعیت نقاط شهری، از $\frac{22}{8}$ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ به $\frac{95}{1}$ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰، یا $\frac{2}{9}$ برابر خواهد رسید. که بیش از نیمی از این افزایش جمعیت متعلق به شهرهای بیش از ۲۵۰ هزار نفر، یعنی شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها خواهد بود.

طبق همین برآوردها، جمعیت آبادیهای بیش از ۵ هزار نفر (یعنی نقاط ۵ هزار نفر و بیشتر که هنوز شهر تلقی نشده‌اند) از حدود ۲ میلیون نفر به $\frac{5}{5}$ میلیون نفر یا کمی بیش از $\frac{2}{5}$ برابر طی دوره یاد شده خواهد رسید. بی‌شک توزیع میزان افزایش برحسب میزان جمعیت و سطح‌بندی شبکه شهری تفاوت داشته، و قطعاً حجم زیاد رشد جمعیت متعلق به کلان‌شهرها و قطبهای رشد منطقه‌ای خواهد بود.

نسبت روستانشینی از $\frac{68}{6}$ درصد در سال ۱۳۳۵ به $\frac{42}{6}$ درصد در سال ۱۳۷۰ تنزل کرده است. در مقابل میزان شهرنشینی طی این دوره از $\frac{21}{4}$ درصد به $\frac{56}{6}$ درصد افزایش یافته که نشانه سیر نزولی تخلیه جمعیتی نقاط روستایی به سود کانونهای شهری است.

نگاهی گذرا به طبقه‌بندی جمعیتی آبادیهای کشور نشان می‌دهد که تحول در جهت افزایش جمعیت نقاطی است که حجم جمعیتی بیشتری دارند. یعنی نقاط بیش از ۲۵۰۰ نفر از رشد نسبی برخوردارند. در حالی که جمعیت نقاط ۵۰۰۰ نفر و کمتر طی سالهای ۵۵ تا ۶۵ روند کاهنده داشته، و نقاط بیش از ۱۰۰۰ نفر رو به افزایش بوده است. همچنین نقاط بسیاری از مناطق روستایی به دلایل مختلف و بیش از همه به دلیل بیکاری، فقدان شرایط زیست بهتر و... همواره در حال تخلیه است. شمار نقاط خالی از سکنه از ۲۶۹۵۲ نقطه در سال ۱۳۵۵ به ۲۸۵۷۱ نقطه در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. تخلیه جمعیت، بی‌شک شامل نقاط دارای خانوارهای کمتر است. در مقابل به طور نسبی، نقاط پرجمعیت‌تر، به رغم مهاجرفرستی، کمتر با مسأله تخلیه کامل جمعیتی مواجه می‌شوند.

با توجه به تراکم نامتعادل و نامتوازن جمعیت، ساماندهی نظام اسکان جمعیت، مهار رشد شهرهای بزرگ، برنامه‌ریزی فضایی با تاکید بر راهبردهای تمرکززدایی، ساماندهی الگوی استقرار مراکز جمعیتی مناطق روستایی، و اولویت‌بندی مراکز توسعه و اسکان روستایی در قالب نظام سلسله مراتب جمعیتی، ایجاد زیر ساختها و تجهیز مراکز مهم سکونتی امری اجتناب‌ناپذیر است.

به این ترتیب احتمال ماندگاری جمعیت در نقاط با جمعیت بیشتر، به طور نسبی بیشتر فراهم است. این نکته قابل ذکر است که مهاجرت از روستا به روستا و از روستا به شهر همواره جریان داشته، اما میزان و سرعت روند آن به شرایط زیست، و فرصتهای شغلی بستگی دارد. چنین روندی از تحول و دگرگونی و پراکنش و رشد جمعیت روستایی عملاً به چاره‌اندیشی و جستجوی راه‌حلهای مناسب و ملاحظات تقدم و اولویتهای توسعه نقاط دارای قابلیت‌های توسعه روستایی منجر می‌شود. یعنی اینکه به منظور فراهم ساختن شرایط ماندگاری جمعیت بیشتری در روستاها، ضروری است که نقاط قابل توسعه در مراحل اولیه برنامه‌ریزی و اجرا قرار گیرند. راه‌حلی که بسیاری از کشورهای جهان سوم برگزیده‌اند (هند، سریلانکا، فیلیپین و...) .

به این ترتیب امکان ایجاد شرایط بهتر و ماندگاری جمعیت در نقاطی میسر است که امکان سرمایه‌گذاری و بهبود اقتصادی و اجتماعی و بازده سرمایه‌گذاری فراهم است.

متنوع ساختن ساختار اشتغال در روستا

از ویژگیهای ساختاری جامعه روستایی، تنوع شرایط اقلیمی، پایین بودن سطح تکنولوژی تولید روستایی، ساده بودن سازمان اجتماعی کار و نبود گستردگی تقسیم کار اجتماعی در روستاست. با چنین توان محدودی جامعه روستایی تنها قادر به حفظ بخشی از جمعیت در روستا شده، و مازاد جمعیت جذب نقاط مستعد شهری شده است. تفاوت سطح زندگی در مناطق شهری و روستایی به حدی است که بدون ایجاد زیرساختها، و بدون تنوع ساختار اقتصادی، جامعه روستایی قادر به حفظ نیروی کار و ایجاد اشتغال در روستا نخواهد بود.

بنابراین توسعه اقتصادی، اجتماعی، و ساماندهی فضایی مطلوب‌تر در جامعه روستایی، مستلزم متنوع ساختن ساختار اشتغال و گسترش فعالیت‌هایی است که تحرک و پویایی آن را تضمین کند. تنوع فعالیت‌های غیر کشاورزی، ضمن تقویت این بخش، تنوع مشاغل غیر کشاورزی، و تقویت درآمدها، روند توسعه روستایی را تسهیل می‌کند. در این زمینه، فعالیت‌های تولیدی غیر کشاورزی کوچک مقیاس، همواره مورد تأکید صاحب‌نظران بوده و امکان خود کفایی و اشتغال‌زایی و کارگر بر بجای سرمایه‌بر را افزایش می‌دهد. چنین نگرشی در روند توسعه، دارای اولویت اجرایی است.

بی‌شک، باید شیوه‌ها و روش‌های نوآور علمی و فنی را نیز به کار گرفت. شیوه‌های کاربردی و اجرایی متناسب با شرایط جامعه روستایی جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا، کارست شیوه‌های کاربردی - اجرایی، از نظر اجتماعی، اقتصادی و زیستمحیطی، از محورهای مهم تحول بنیادین روستاست. روش‌های کاربردی توسعه با دیدگاه‌های توسعه یکپارچه و همگن با محیط و نگرش‌های توسعه پایدار سازگار بوده، و در واقع وجه ضروری توسعه است.

متنوع ساختن فعالیت‌های اقتصادی روستا، در نقاطی امکان‌پذیر است که قابلیت توسعه و استعداد سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال را داشته باشد. بنابراین، نقاطی از این قابلیت بهره دارند که دارای جمعیت کافی، شرایط مناسب رشد، و پتانسیل لازم، و نقاطی که عمدتاً در چارچوب نظام سلسله مراتب مراکز جمعیتی و نزدیک به سطوح شهری همجوار خود باشند.

مراکز توسعه

طیف کمی و کیفی مراکز روستایی وسیع و امکانات، محدودیت‌ها، و تنگناهای توسعه، متنوع و متعدد است. از این رو، باید از بسیاری جهات اقدام به گزینش کرد. طبعاً توسعه روستایی، دارای ارتقاء مرحله‌ای و برحسب شرایط و امکانات و اولویتها، مراکز اسکان است. به همین علت ارجح است که انتخاب در نظام سطح‌بندی، مراکز اسکان باشد. اساساً ایده توسعه مراکز توسعه یا مراکز اسکان روستایی، به معنای ایجاد یک سکونتگاه جدید نیست. بلکه آن تجدید سازمان الگوی سکونت روستایی به سود مراکز است که بیشترین پتانسیل را برای توسعه دارند. براین اساس گزینش مراکز توسعه باید از سطوح بالای نظام سلسله مراتب روستایی باشد. بنابراین باید:

۱) گزینش مراکز عمده روستایی، جهت اجرای برنامه‌های توسعه، باید در راستای ایجاد زیرساختها، خدمات، و ایجاد زمینه‌های توسعه و در نقاط با پتانسیل‌های رشد صورت گیرد.

توسعه اقتصادی، اجتماعی، و ساماندهی فضایی مطلوبتر در جامعه روستایی، مستلزم متنوع ساختن ساختار اشتغال و گسترش فعالیتهایی است که تحرک و پویایی آن را تضمین کند. تنوع فعالیتهای غیر کشاورزی، ضمن تقویت این بخش، تنوع مشاغل غیر کشاورزی، و تقویت درآمدها، روند توسعه روستایی را تسهیل می کند.

۲) ایجاد زیرساختها از بسیاری جهات، باید در نقاط مستعد و دارای بازده اقتصادی و اجتماعی و طبعاً نقاط نزدیک به شهرهای کوچک در شبکه شهری، و نقاط عمده روستایی صورت گیرد، به گونه ای که از نظر امکانات سرمایه گذاری، توان، پتانسیل و استعداد پذیرش توسعه و بازده اقتصادی را داشته باشند. در مرحله اول و متناسب با شرایط و نیازها، با اولویت زیرساختهای لازم، سطح بالای نقاط روستایی پیشنهاد می شود.

۳) نقاط یا سطح انتخابی نقاط باید از همترازی جمعیتی و خدماتی نقاط شهری یا نزدیک به سطح پایین شهرهای کوچک (در حد ۵ هزار نفر جمعیت) برخوردار باشند. میسرا (Misra)، و جانسون (Johnson) بر این باورند که فاصله های اجتماعی و اقتصادی میان روستا و شهر بسیار است. و این فاصله تنها با ظهور جامعه روستا - شهری، که از نظر اجتماعی نزدیک به روستاها و از نظر اقتصادی و سازمان یافتگی شبیه شهرها باشد، قابل کاهش است.

زیرساختها

تأکید بر این وجه توسعه مراکز سکونتی روستایی ضروری است. سمت و سوی جاذب و نیروطلب از جامعه روستایی سیمای متحول جامعه شهری است، که همواره رو در روی جامعه روستایی قرار دارد. از این رو، تجهیز مراکز عمده اسکان روستایی، بویژه نقاطی که قابلیت تحول دارند و پذیرای تغییرات ساختاری و جذب سرمایه گذاریهای زیربنایی هستند ضروری است. ایجاد زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی، در واقع محورهای عمده تجهیز مسیر و روند توسعه پویای جامعه روستایی است. زیرساختها، در واقع پیش نیاز شروع فرایند توسعه در اقتصاد روستایی و مجموعه ای از تسهیلات و تجهیزاتی است که بدون آنها، فعالیتهای اقتصادی تداوم نخواهد داشت. بر پایه تجربه های دنیا، اثرات

زیرساخت بر روند تحول جامعه بشری زیر است:

- ۱) زیرساختها به طور مستقیم بر تولید روستایی تأثیر می‌گذارند.
 - ۲) زیرساختها، به ایجاد اشتغال و تنوع فعالیتهای غیرکشاورزی کمک می‌کنند.
 - ۳) زیرساختها به افزایش نرخ رشد بخشهای اقتصادی یاری می‌رسانند.
 - ۴) زیرساختها در دراز مدت کاهش هزینه‌های تولید را موجب می‌شوند.
- طبقه‌بندی کلی زیرساختها به شرح زیر است:

الف) زیرساختهای کالبدی؛ شامل؛

۱) حمل و نقل و ارتباطات

۲) کشاورزی

ب - زیرساختهای اجتماعی، شامل تأمین؛

۱) بهداشت و درمان

۲) آموزش و پرورش

۳) مسکن

پ) زیرساختهای نهادی، شامل؛ نهادهایی که کارکرد مناسب اقتصادی و اجتماعی و کالبدی را

تسهیل می‌کنند.

برنامه‌ریزی توسعه مراکز اسکان روستایی

به طور کلی، استراتژی اسکان و توسعه روستایی، مجموعه‌ای از سیاستها و خط‌مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را شامل می‌شود که در واقع تمامی وجوه توسعه روستایی را در درازمدت در برمی‌گیرد. چنین راهبردهایی در شرایط توسعه روستایی و اقلیم متنوع آن، مستلزم نگرش جامع به امر توسعه است. عناصر عمده چارچوب کلی آن که برنامه توسعه را پوشش می‌دهد، بشرح زیر است:

الف) هدفهای برنامه توسعه

عناصر و اجزاء آن از این قرار است:

۱) بعد فضایی: بعد فضایی و مکانی اجرای برنامه، زیرساختها، منابع و مواد از جمله خاک، آب،

و هوا را شامل می‌شود.

توسعه روستایی، دارای ارتقا، مرحله‌ای و برحسب شرایط و امکانات و اولویتها، مراکز اسکان است. به همین علت ارجح است که انتخاب در نظام سطح‌بندی، مراکز اسکان باشد. اساساً ایده توسعه مراکز توسعه یا مراکز اسکان روستایی، به معنای ایجاد يك سکونتگاه جدید نیست.

۲) بعد زمانی: عامل زمان باید با بعد فضایی، زیستمحیطی، و ارزشهای جامعه به گونه‌ای ترکیب و هماهنگ شود که فرایند اجرای برنامه‌ریزی در زمان مناسب و صحیح رخ دهد. زیرا آنچه امروز به نظر درست آید، ممکن است در آینده نادرست باشد.

۳) عامل زیستمحیطی: حفظ محیط زیست و ارزشهای آن در برابر انواع آلودگیها و تخریبها اهمیت بسیار دارد. در اجرای برنامه توسعه باید با تمام وسایل لازم از تخریب عمومی خاک، آب، و هوا جلوگیری به عمل آید.

۴) عامل ارزشها؛ برای برنامه‌ریزی و اجرای درست طرحهای توسعه روستایی، باید همواره ارزشهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی جامعه روستایی در نظر گرفته شود. ملاحظه و مراعات ارزشهای جامعه به پایداری امر توسعه می‌انجامد.

ب) ابزارهای برنامه‌ریزی

ابزارهای برنامه‌ریزی باید در مقیاسهای مختلف در نظر گرفته شوند. این ابزارها به قرار زیرند:

۱) خط‌مشی‌ها؛ سیاستها و خط‌مشی‌ها تفاهمها و بیانیه‌هایی را شامل می‌شود که فکر و عمل را در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در محدوده يك ناحیه و در چارچوب تصمیمی که باید اجرا شود هدایت می‌کند. و اطمینان می‌دهد که تصمیم‌گیری باید محتوای هدفها و نگرشها را در برداشته باشد.

۲) برنامه (Plan)؛ برنامه يك تصمیم‌گیری است که در جهت پیشبرد کار، اتخاذ می‌شود. و به سؤالاتی از قبیل چه باید کرد، چگونه باید انجام داد، چه موقع باید انجام شود، و چه کسی باید آن را به انجام برساند پاسخ می‌دهد. برنامه‌ریزی بین گذشته و آینده پلی می‌زند که از کجا آمده‌ایم و در آینده مطلوب در کجا خواهیم بود.

۲) برنامه‌ریزی (Programme)؛ برنامه‌ریزی تهیه و تدارک صورت‌ریزی از کارهایی است که باید برحسب زمان، هزینه، و مقیاس ارزش از پیش تعیین شده انجام شود.

۴) پروژه (project)؛ پروژه یک کار فیزیکی و زیرساختی برای نیل به نتایج مطلوب خطمشی‌ها، برنامه‌ها و برنامه‌ریزیهاست.

ج) بخشهای برنامه‌ریزی

در توسعه مراکز اسکان روستایی، بخشهای مهم توسعه عبارتند از؛

۱) کشاورزی؛ زراعت زمین، دامداری، ماهیگیری، مرغداری، و دیگر فعالیتهای مشابه را که هنوز با تولید و اشتغال سروکار دارند شامل می‌شود. بهبود انواع بذرها، کودهای شیمیایی، حشره‌کشها، زهکشی، و تسهیلات آبیاری، کمکهای مفید و ضروری علوم و تکنولوژی امروزی است که باید هماهنگ شده و به کار گرفته شوند.

۲) صنعت؛ منابع معدنی و کشاورزی باید از فرایند صنایع خاص به دور باشد. در اقتصاد روستایی، صنایع بخش کشاورزی مورد نظر است.

۳) بازرگانی؛ کشاورزی و ستانده‌های صنعتی باید از مجرای صحیح بخش بازرگانی هدایت شده و با تولیدات روستا و نیازهای آن سازگار باشد.

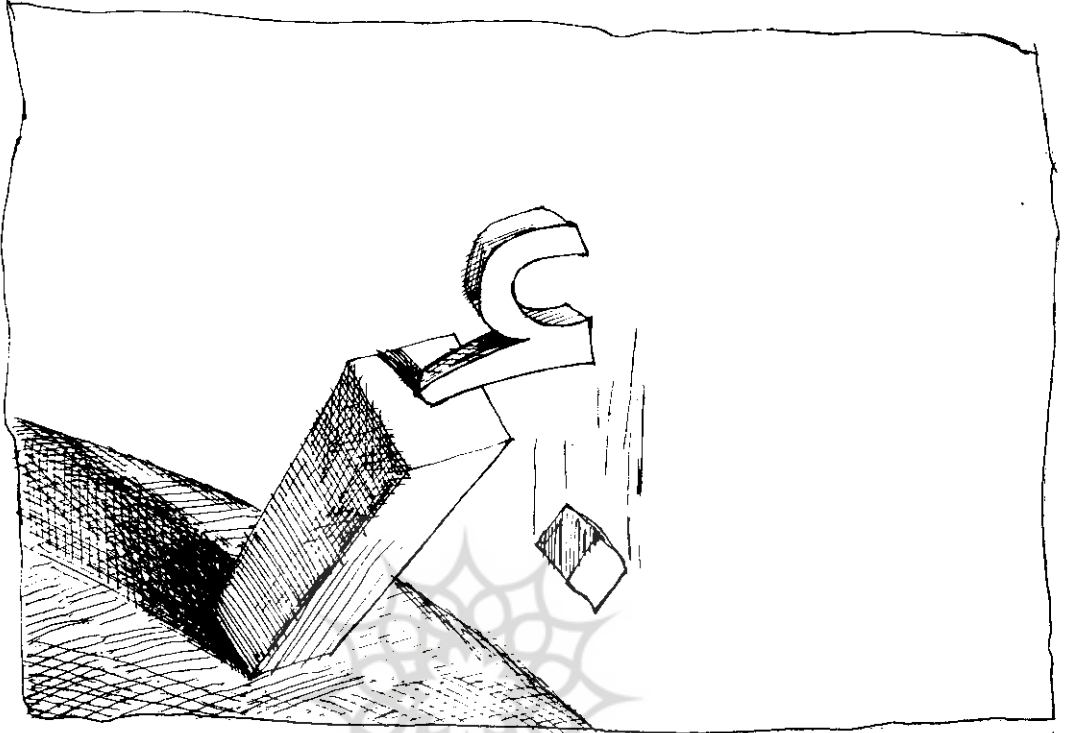
۴) خدمات؛ این بخش به تمام زمینه‌های دیگر غیر از کشاورزی، صنعت و بازرگانی و تجارت مربوط می‌شود.

د) جامعه مشمول برنامه‌ریزی

۱) این برنامه ابتدا ساکنان مراکز عمده اسکان روستایی را که در اولویت برنامه‌ریزی مشخص شده‌اند، در برمی‌گیرد. در این زمینه، باید نیروی انسانی موجود از طریق بهره‌برداری از منابع و فرصتهای شغلی به کار گرفته شود.

۲) گروههای مشمول هدف برنامه؛ ستانده‌های متفاوت برنامه‌ریزی، باید برای گروههای مختلف هدف گذاری شود.

۳) گروههای محروم؛ گروههای تهیدست و محروم جامعه روستایی مورد تأکید خاص بوده و سزاوار توجه برنامه‌ریزان هستند.



ه) سازمانهای برنامه‌ریزی

- ۱) مؤسسات و نهادها؛ نهادهای اداری، اجتماعی، و مذهبی، می‌توانند در تقویت و اجرای بهتر برنامه مورد نیاز باشند. بنابراین باید مجموعه نهادهای ذیربط به کار گرفته شوند.
- ۲) مشارکت عمومی؛ چنانچه برنامه‌ریزی نتواند مشارکت و همکاری عموم را در فعالیتهای مطلوب پیشبینی شده به طور همزمان جلب کند، بی‌اثر خواهد بود. هدفهای برنامه‌ریزی شده، قابل دسترس نخواهند بود، اگر تصمیمگیریهای مقامات که به مردم تحمیل می‌شود پاسخ‌دوطلبانه نداشته باشد.
- ۳) تکنیکهای مدرن مدیریت باید برای رشد و توسعه ملی و رقابت بین‌المللی معرفی و عرضه شوند.
- ۴) بازخور دانش و اطلاعات؛ ارزیابی دقیق موفقیت و شکست گذشته و حال برنامه، می‌تواند راهها و شیوه‌های درست را برای برنامه‌ریزی آینده بدست دهد.

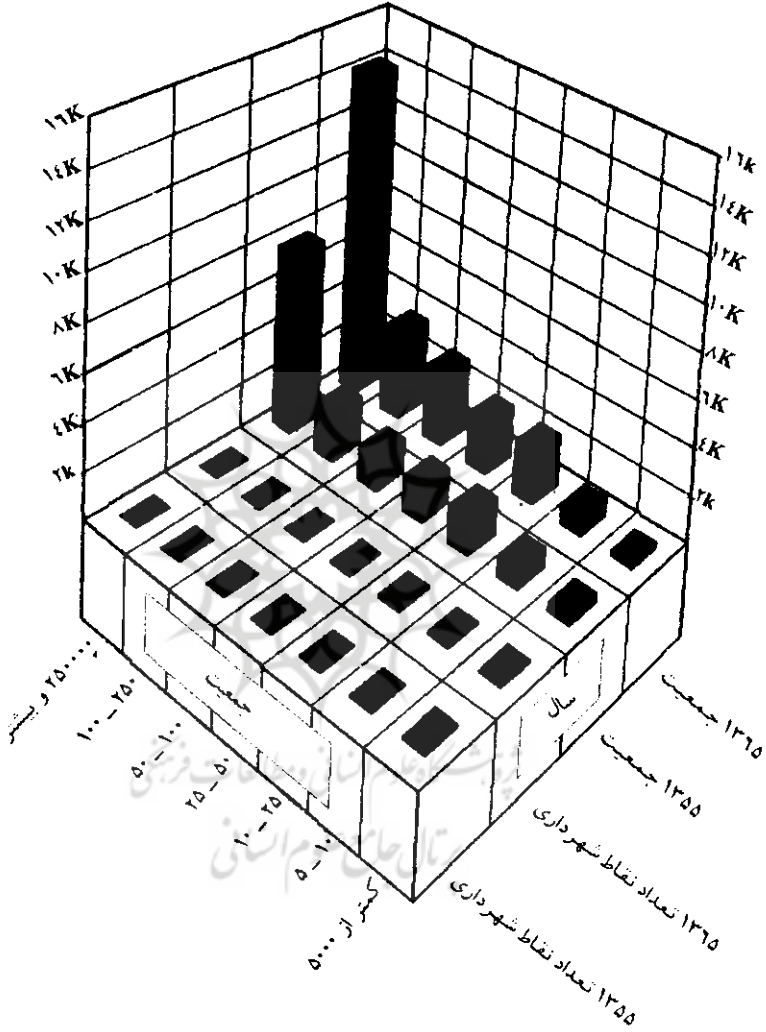


منابع

- ۱) نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰.
- ۲) نظام اسکان جمعیت و نقش شهرهای میانه، دکتر اصغر ارجمندنیا، مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، شهریور ۱۳۶۷، جلد اول، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.
- ۳) برآورد جمعیت نقاط بیش از ۵ هزار نفر، در مطالعات تحول جمعیت در طرح کالبدی ملی، مرداد ۱۳۷۳.
- ۴) گاهنامه روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، دفتر مرکزی جهاد سازندگی، ۱۳۶۶.
- ۵) توسعه و نگهداری زیرساختهای روستایی، مورد ایران، پیشنویس، دکتر پرویز پیران و دیگران ۱۳۷۱.
- ۶) گزارش سمینار بین‌المللی برنامه‌ریزی مراکز و سکونتگاههای روستایی، تهران ۶ الی ۱۳ مرداد ۱۳۷۱، جهاد سازندگی، اسکان بشر، و اسکاپ.
- 7) Matrix For Planning of rural centres and settlements, Kabiruddin Ahmed, FIEB, Housing and settlement Directorate, Dhaka, 1992. Paper prepared for international seminar on rural centre and settlement planning, 1992, Tehran.
- 8) Moo - Nam. chung, Rrual center and settlements planning in korea, international seminar on rural centre and settlement planning, 3 August 1992, Tehran.

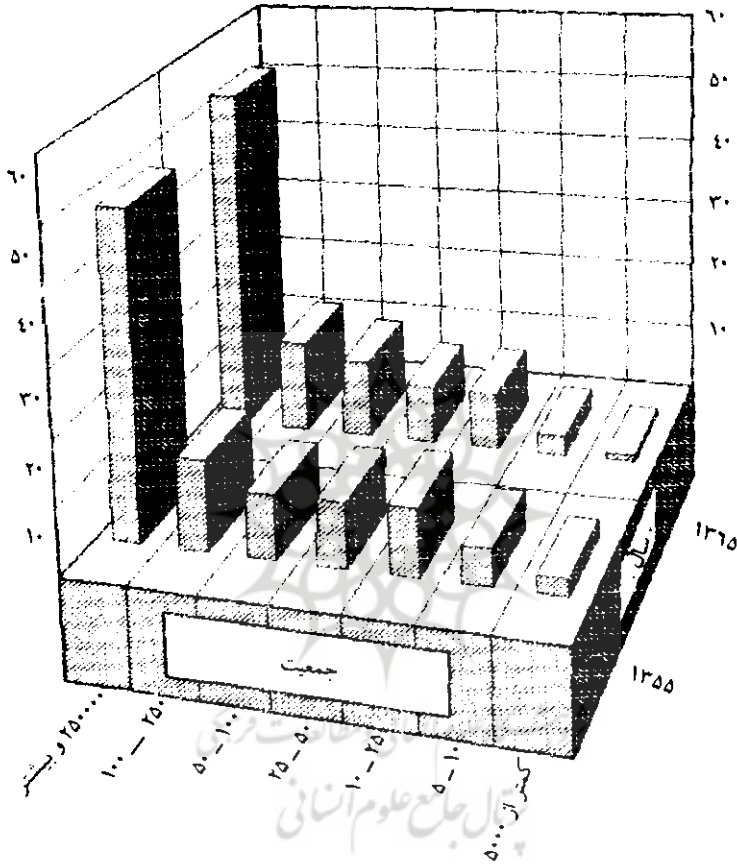
نمودار ۱:

طبقه‌بندی جمعیتی شهرها و تعداد نقاط دارای شهرداری کشور

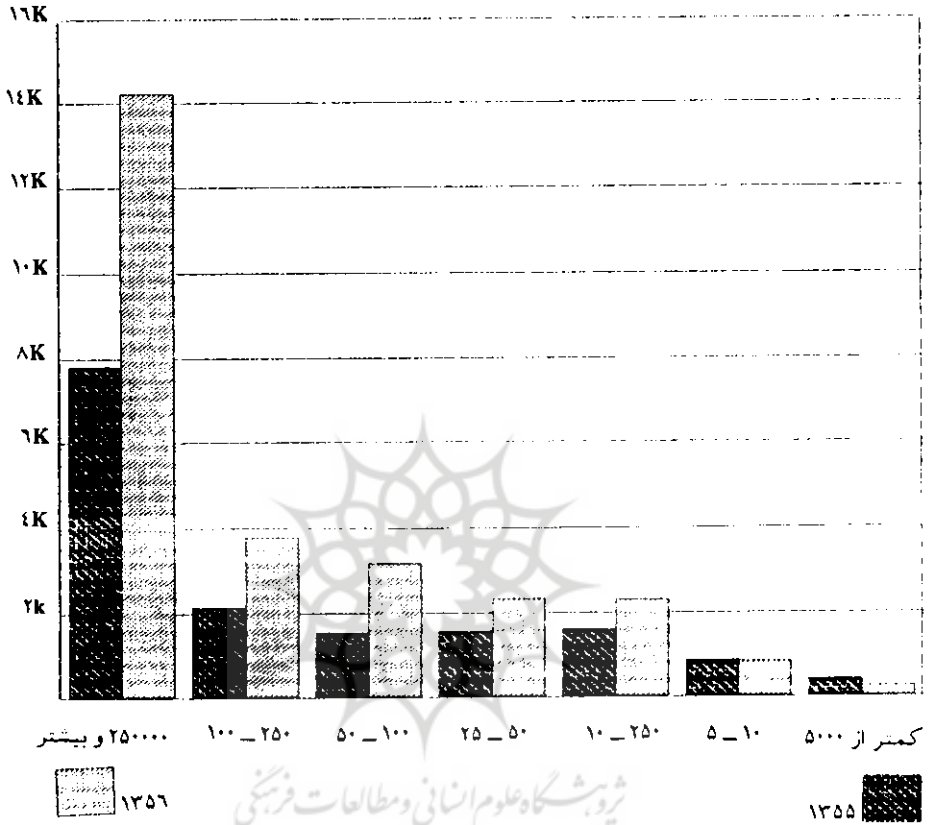


نمودار ۲:

طبقه‌بندی درصد جمعیتی شهرهای کشور



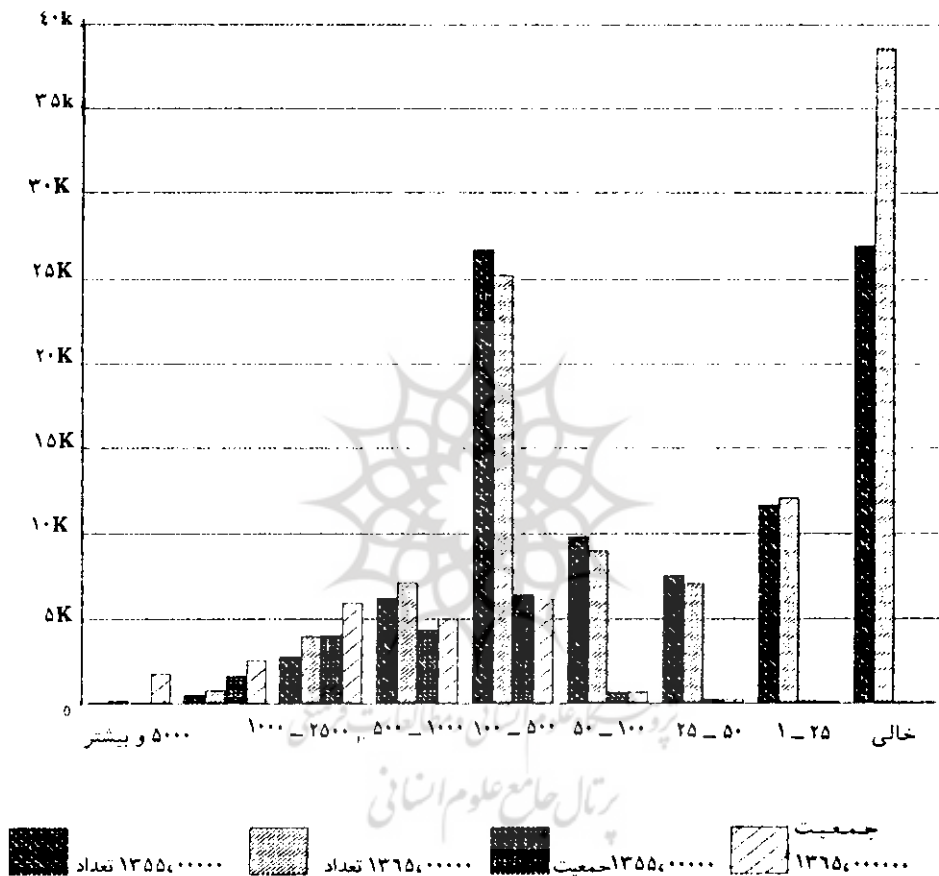
نمودار ۳:
طبقه‌بندی جمعیتی شهرهای کشور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

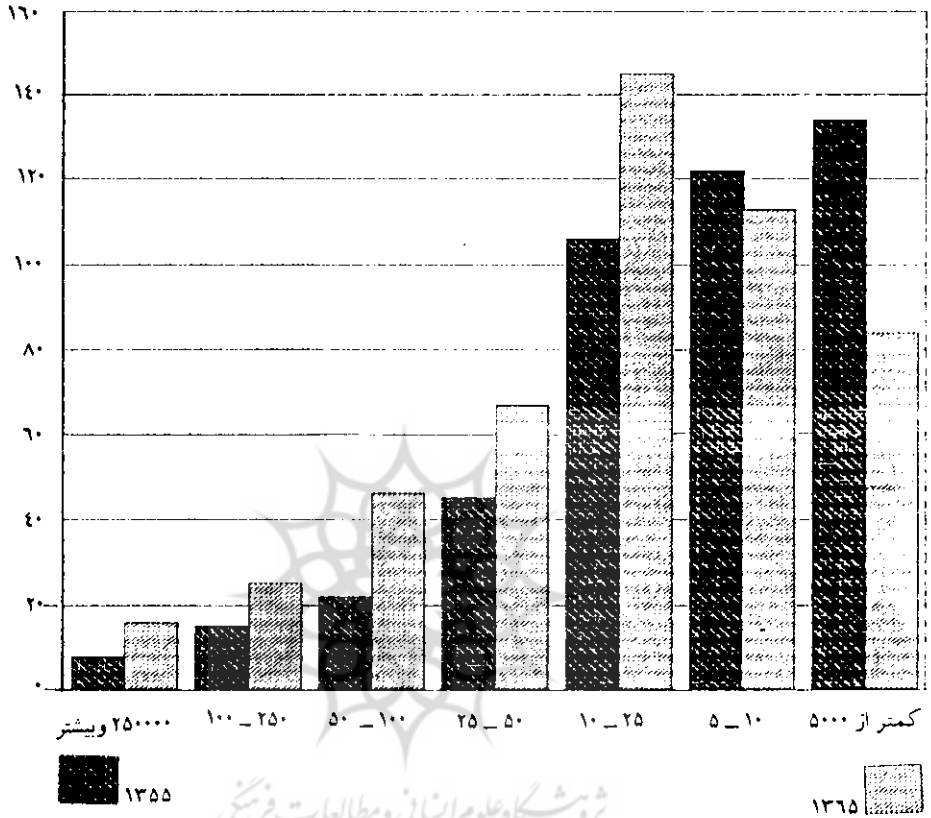
نمودار ۴:
طبقه‌بندی تعداد و جمعیت آبادیهای کشور

جمعیت (۱۰۰۰)



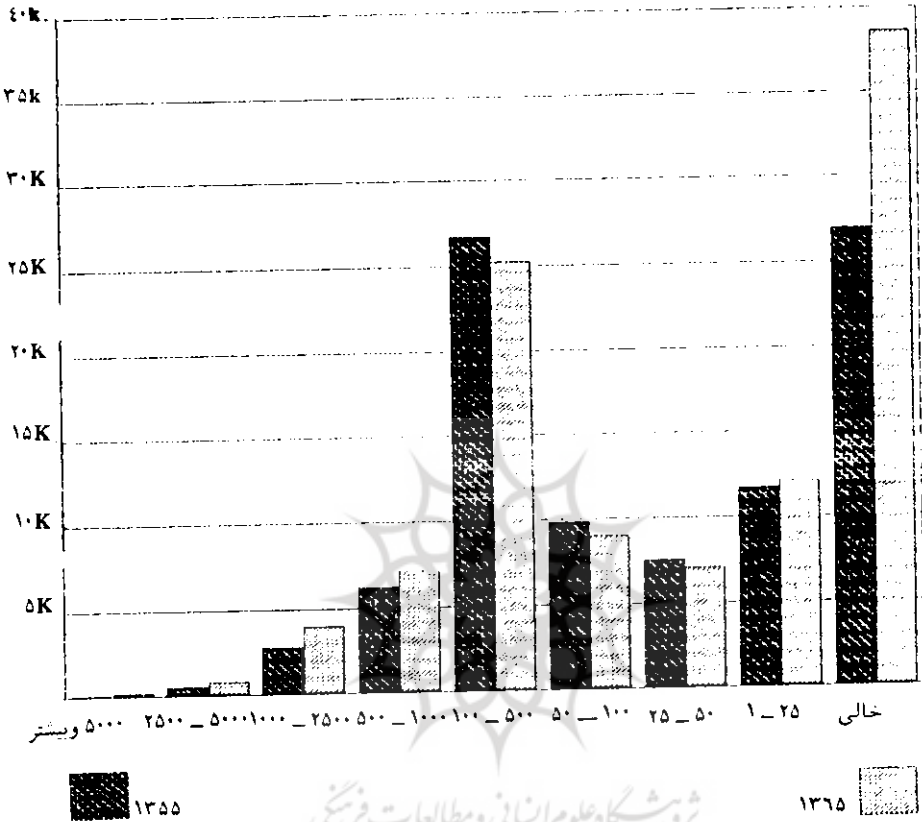
نمودار ۵:

طبقه‌بندی تعداد نقاط دارای شهرداری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

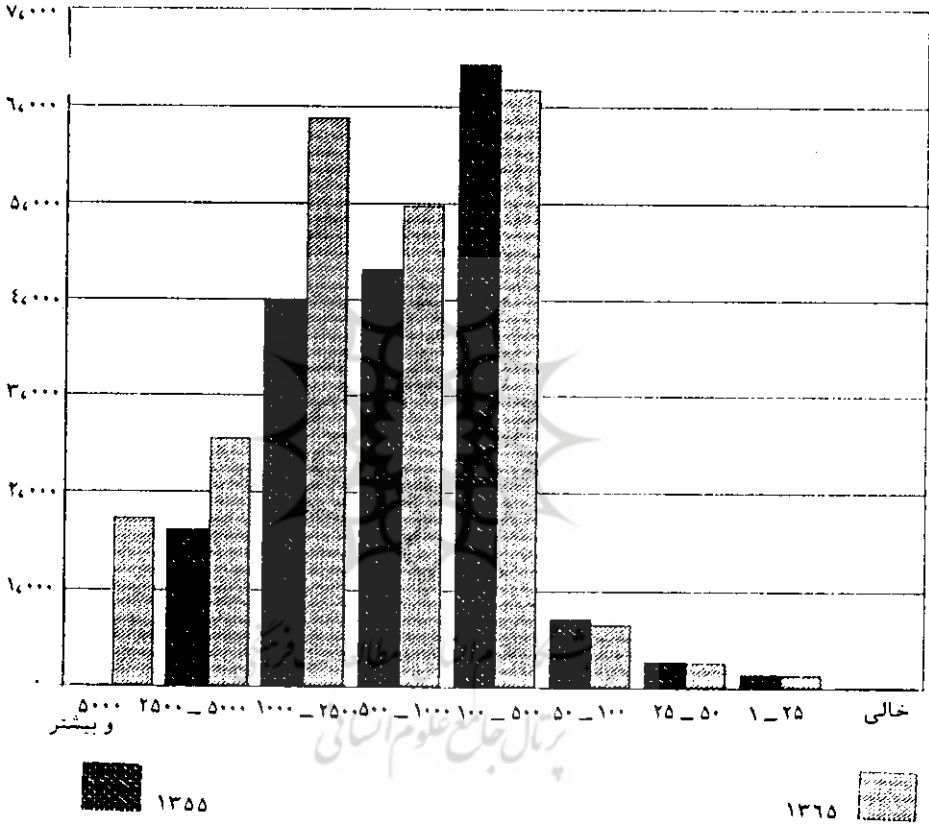
نمودار ۶:
طبقه‌بندی تعداد آبادیهای کشور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

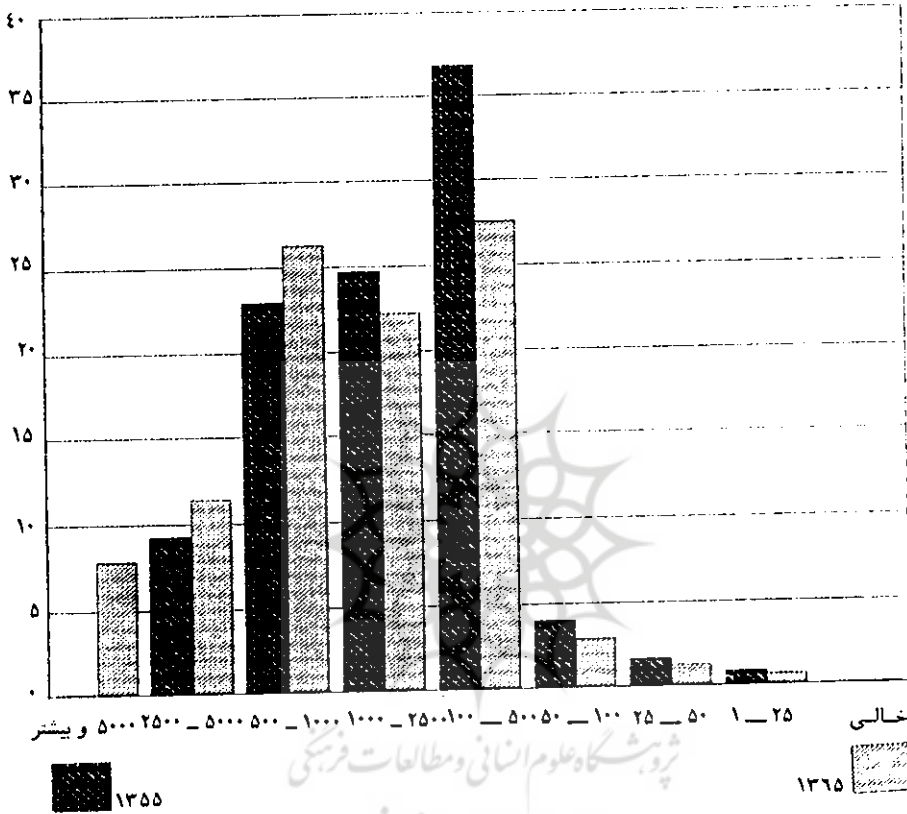
نمودار ۷:
طبقه‌بندی جمعیت آبادیهای کشور

جمعیت (۱۰۰۰)



نمودار ۸:

طبقه‌بندی درصد جمعیتی آبادیهای کشور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱:

تحول نسبت شهرنشینی و روستانشینی

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
نسبت روستانشینی	۶۸/۶	۶۲	۵۲	۴۵/۲	۴۳/۴
نسبت شهرنشینی	۳۱/۴	۳۸	۴۷	۵۴/۸	۵۶/۶

ماخذ: نتایج سرشماریهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰

جدول شماره ۲:

طبقه‌بندی جمعیتی آبادیهای کشور

۱۳۶۵		۱۳۵۵		طبقه بندی		
درصد جمعیت	جمعیت ۱۰۰۰ نفر	تعداد آبادی	درصد جمعیت	جمعیت ۱۰۰۰ نفر	تعداد آبادی	
۱۰۰	۲۲۳۴۵	۱۰۳۹۲۰	۱۰۰	۱۷۴۴۹	۹۲۰۰۷	جمع
۷/۸	۱۷۳۸	۱۹۴	۰/۰۰	۰۰۰۰	۰۰۰۰	۵۰۰۰ و بیشتر
۱۱/۴	۲۵۵۲	۷۶۷	۹/۲	۱۶۱۲	۴۸۴	۲۵۰۰ - ۵۰۰۰
۲۶/۳	۵۸۸۱	۳۹۵۰	۲۲/۹	۳۹۹۰	۲۷۳۵	۱۰۰۰ - ۲۵۰۰
۲۲/۲	۴۹۶۷	۷۱۱۴	۲۴/۷	۴۳۰۶	۶۲۴۴	۵۰۰ - ۱۰۰۰
۲۷/۶	۶۱۶۹	۲۵۲۰۲	۳۶/۸	۶۴۲۸	۲۶۶۸۰	۵۰۰ - ۱۰۰
۲/۹	۶۴۹	۸۹۶۲	۴/۰۰	۷۰۶	۹۷۵۸	۵۰ - ۱۰۰
۱/۲	۲۵۷	۷۱۰۲	۱/۶	۲۷۲	۷۵۰۰	۲۵ - ۵۰
۰/۶	۱۳۲	۱۲۰۵۷	۰/۸	۱۳۵	۱۱۶۵۴	۱ - ۲۵
۰/۰۰	۰۰۰۰	۳۸۵۷۱	۰/۰۰	۰۰۰۰	۲۶۹۵۲	خالی

ماخذ: نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

جدول شماره ۳:
طبقه‌بندی جمعیتی شهرهای کشور

۱۳۶۵			۱۳۵۵			
درصد	جمعیت	تعداد نقاط/دارای	درصد	جمعیت	تعداد نقاط/دارای	طبقه بندی
جمعیت	۱۰۰۰ نفر	شهرداری	جمعیت	۱۰۰۰ نفر	شهرداری	
۱۰۰	۲۶۸۴۵	۴۹۶	۱۰۰	۱۵۹۲۴	۴۵۲	جمع
۵۲/۹	۱۴۲۲۲	۱۶	۴۹/۰۰	۷۸۰۲	۸	۲۵۰۰۰۰ و بیشتر
۱۴/۰۰	۲۷۵۷	۲۵	۱۳/۵	۲۱۵۲	۱۵	۱۰۰- ۲۵۰
۱۱/۸	۲۱۵۵	۴۶	۹/۶	۱۵۳۲	۲۲	۵۰-۱۰۰
۸/۶	۲۳۲۰	۶۷	۹/۷	۱۵۴۰	۴۵	۲۵-۵۰
۸/۶	۲۳۰۰	۱۴۵	۱۰/۱	۱۶۱۰	۱۰۶	۱۰-۲۵
۳/۱	۸۲۳	۱۱۳	۵/۵	۸۶۹	۱۲۲	۵-۱۰
۱/۰۰	۲۵۸	۸۴	۲/۶	۴۱۸	۱۳۴	کمتر از هزار نفر

ماخذ: نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

جدول شماره ۴ :

برآورد جمعیت نقاط بیش از ۵ هزار نفر از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰

(جمعیت به ۱۰۰۰ نفر)

سال	نقاط شهری	آبادیهای بیش از ۵ هزار نفر	نقاط بیش از ۵ هزار نفر
۱۳۷۰	۳۲۸۱۱	۲۰۶۱	۳۴۶۹۴
۱۳۷۵	۴۰۴۳۰	۲۴۷۶	۴۲۶۹۸
۱۳۸۰	۴۹۰۳۸	۲۹۵۸	۵۱۷۴۳
۱۳۸۵	۵۸۸۲۴	۳۷۶۰	۶۲۱۰۲
۱۳۹۰	۶۹۹۹۸	۴۱۱۸۱	۷۳۷۶۹
۱۳۹۵	۸۲۱۷۴	۴۷۹۹۵	۸۶۵۷۳
۱۴۰۰	۹۵۱۱۸	۵۵۵۱	۱۰۰۳۱۵

ماخذ: دکتر حبیب‌الله زنجانی، زهرانبی‌زاده، برآورد جمعیت نقاط بیش از ۵ هزار نفر، در مطالعات تحول جمعیت در طرح کالبدی ملی، مرداد ۱۳۷۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی